

## **Investigating the Socio-Cultural Effects of Extravagance in the Iranian State Sector**

Muhammad Soleimani\*

Received: 2019/07/20

Mahdi Qasemi Siyani\*\*

Accepted: 2019/09/11

### **Abstract**

A recurrent Quranic term is extravagance (israf). This is considered by both the holy Quran and Traditions so abhorrent that those who practice it are dismissed from God's favor and grace. Though the socio-cultural effects of this vice has been elaborated upon within personal domain, its impact on the state sector has almost been neglected. The article, therefore, has focused on the latter after offering a definition of the concept based on religious instructions using library and descriptive analytical method.

The results show that this type of extravagance has several effects, namely socio-cultural rift, expansion of consumerism, improper use of divine bounty and the occurrence of ungratefulness to God's favors, expansion of raw material sales in the managerial sector and its extension to public culture, disturbance of social equilibrium and the rise of poverty in society.

**Keywords:** Consumerism, State extravagance, Raw Material Sales

---

\* Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, ISU mo.soleimani@gmail.com

\*\* M.A. student of Islamic Studies and Economics, ISU Ghasemisiyani@ISU.ac.ir

مقاله پژوهشی دوفصلنامه علمی نامه فرهنگ و ارتباطات، سال چهارم، شماره اول (بیاپی ۷)، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص. ۷۷-۱۰۲

## بررسی اثرات فرهنگی-اجتماعی اسراف در بخش دولتی ایران

محمد سلیمانی\*

مهدی قاسمی سیانی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۰

### چکیده

یکی از مهم‌ترین کلیدواژه‌های قرآنی، اسراف است. این عمل از منظر قرآن و روایات آن‌چنان قبیح به شمار می‌رود که مطابق با آن، مسرفین از دایره محبت خداوند خارج گشته‌اند. اگرچه تاکنون پژوهش‌های بسیاری، اثرات فرهنگی-اجتماعی اسراف در حوزه فردی را برشمرده‌اند، توجه به آثار اسراف در بخش دولتی (حوزه اختیارات حکومت)، کمتر مورد توجه واقع شده است. این مقاله ضمن ارائه تعریفی از اسراف بر اساس آموزه‌های دینی و بررسی مواردی از آن در بخش دولتی ایران، با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی به بررسی اثرات فرهنگی-اجتماعی اسراف در این بخش پرداخته است.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد بروز شکاف فرهنگی-اجتماعی در جامعه و رواج فرهنگ مصرف‌گرایی، عدم استفاده صحیح از مواهب خدادادی و بروز فرهنگ ناسپاسی در جامعه، رسوخ فرهنگ خام‌فروشی در لایه مدیریتی کشور و سرریز آن در فرهنگ مردمی و از بین رفتن توازن اجتماعی و بروز فقر در جامعه از جمله مهم‌ترین اثرات اجتماعی-فرهنگی اسراف در بخش دولتی است.

**واژگان کلیدی:** فرهنگ مصرف، اسراف دولتی، مصرف‌گرایی، خام‌فروشی

---

solimani@isu.ac.ir

\* استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) Ghasemisiyani@isu.ac.ir

## ۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در قرآن مکرراً مورد توجه واقع شده است، تأکید بر رفتار انسان‌هایی است که خداوند آن‌ها را دوست دارد و هم‌چنین توجه به رفتار کسانی که خداوند آن‌ها را دوست ندارد. اگر کسی، دیگری را دوست داشته باشد، سعی می‌کند مطابق خواسته‌های او عمل کند و بر او سخت نگیرد. خداوند بلندمرتبه و دانا، در قرآن کریم فرموده است، مسرفین را دوست ندارد. همین مسئله باعث می‌شود انسان تمام توجهش را جلب نماید، تا در زمره مسرفین قرار نگیرد؛ چراکه خارج شدن از دایره محبوبین خداوند، بسیار سنگین و عذاب‌آور است.

اسراف، ابعاد گسترده‌ای دارد و می‌تواند به صورت فردی یا جمعی صورت پذیرد. مطمئناً اگر اسراف در اموال بیت‌المال و حق همه مسلمانان صورت گیرد، پیامدهای منفی گسترده‌تری در پی خواهد داشت. به همین دلیل، این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و متکی بر روش توصیفی-تحلیلی، تلاش خود را در جهت احصاء مصادیقی از اسراف در بخش دولتی ایران و بررسی اثرات فرهنگی-اجتماعی آن، متمرکز ساخته است.

جمع‌بندی حاصل از پژوهش نشان می‌دهد اسراف در بخش‌های دولتی می‌تواند زمینه‌ساز بروز شکاف‌های فرهنگی-اجتماعی در میان مردم و مسئولین و هم‌چنین باعث سرریز شدن فرهنگ مصرف‌گرایی و خمودگی در میان آحاد ملت گردد.

## ۲. سابقه پژوهش

مرحوم ملا احمد نراقی (۱۴۱۷ق) در کتاب شریف «عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام» به بیان موضوعات مختلف فقهی، اصولی، ادبی و ... می‌پردازد. ایشان در عانده ۶۱، به صورت مبسوط، محققانه و واقع‌گرایانه به بررسی موضوع اسراف می‌پردازند به گونه‌ای که چنین بحثی در هیچ‌یک از کتب فقهی مشاهده نشده است. ایشان در این کتاب پس از گردآوری و فهرست کردن معانی لغوی اسراف، همه را به «تجاوز از حد» ارجاع داده است. ایشان پس از بحث درباره تحریم اسراف،

آن را به اسراف اتلافی و هزینه‌ای تقسیم کرده و افزون بر اتلاف، مصرف بدون نیاز و مصرف زائد بر شأن را نیز از جمله مصادیق اسراف برشمرده‌اند.

بیدآباد (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «اسراف و اقتصاد اخلاق» که در مجله بانک و اقتصاد به چاپ رسیده است، به بررسی رابطه میان اسراف به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل مدنظر در اقتصاد اسلامی و اقتصاد اخلاق، به عنوان بخش جدیدی از علم اقتصاد که اصول فلسفی آن هزاران سال است، تدوین شده ولی به صورت علم اقتصاد امروز به شیوه‌های روش‌شناسی رایج مطرح نگردیده است، می‌پردازد. مطابق با این مقاله، اسراف علاوه بر اینکه در حوزه احکام شرعی وارد می‌شود، پا را از آن فراتر گذاشته و وارد حیطه اخلاق نیز می‌شود، یعنی ترغیب و تشویق باید از طرف همه ناصحان و زعما در این ارتباط صورت گیرد تا جامعه مجاب شود که مصرف زاید بر نیاز خود را حذف کند.

کلانتری (۱۳۸۸) در کتابی با عنوان «الگوی مصرف»، عدم تبیین الگوی مصرف مبتنی بر خواست و مذاق شارع را از جمله عوامل رشد سرسام‌آور و تأسفبار ضایعات و هدررفت‌ها در عرصه‌های گوناگون می‌داند. وی در بخش نخست این کتاب، به بیان چرستی مصرف، ضرورت تدبیر در این امر، بررسی اسراف فردی و فرافردی و ذکر نقش عرف در تعیین الگوی مصرف پرداخته است. در بخش دوم این کتاب، مصارف فردی از جمله مصارف خوراکی، بهداشتی، حقوقی، اخلاقی، مصرف انرژی و مسکن، مصارف رفاهی، تفریحی و تشریفاتی پرداخته است. ایشان در بخش سوم کتاب به صورت کاملاً مختصر به ذکر معیارهای ضروری در مصارف دولتی پرداخته‌اند و لزوم توجه به این معیارها را یادآور شده‌اند.

پیغامی (۱۳۹۵) در کتاب «الگوی مصرف اسلامی» به بررسی بایسته‌های مصرف در تحقق الگوی اسلامی - ایرانی مصرف پرداخته است. وی در این کتاب ضمن بیان مقدماتی در رابطه با مفاهیم کلی اقتصاد، به تشریح سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف ابلاغ‌شده از سوی مقام معظم رهبری مدظله‌العالی پرداخته است. مفاهیم اسراف

و تپذیر و جایگاه آن‌ها در این کتاب بررسی شده‌اند، ولی در مورد اینکه چه شاخص‌هایی می‌تواند این دو مفهوم را مورد سنجش قرار دهد، صحبتی به میان نیامده است.

سجادیان (۱۳۹۶) در پایان‌نامه خود با عنوان «نقش دولت در مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های اصلاح الگوی مصرف» مدعی است مفهوم مصرف و الگوی مصرف در دین مبین اسلام به کلی با الگوی غربی آن که «تولید برای مصرف بیشتر» و «مصرف بیشتر برای تولید بیشتر» را تبلیغ می‌کند؛ متفاوت است. مطابق با این پایان‌نامه، الگوی مصرف در اسلام در عین حال که بر ارضای نیازهای ضروری تأکید دارد، به ضرورت تشکیل سرمایه در ابعاد کلان برای سرمایه‌گذاری و تولید بیشتر که در خدمت افزایش ثروت جامعه و زدودن فقر قرار می‌گیرد نیز بهای زیادی می‌دهد. اتخاذ الگوی صحیح و منطقی مصرف، آثار فردی و اجتماعی فراوانی به دنبال دارد. از آنجایی که قوانین کشور ما بیشتر ناظر به رفتار مجریان، مسئولان و هم‌چنین دستگاه‌های حکومتی هستند، لذا مهم‌ترین راهکارهای تحقق الگوی بهینه مصرف در نهادهای دولتی را باید در قانون و قانون‌گرایی جستجو کرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی، بر اهمیت مصرف و اصلاح الگوهای مصرف در بند ۶ از اصل ۴۴ این قانون تأکید دارد.

### ۳. ادبیات پژوهش

#### ۳-۱. تعریف اسراف

ماده «سرف» و مشتقات آن در لغت به معانی گوناگون آمده‌اند که برخی از آن‌ها بدین قرارند: جهل، تلف شدن و هدر رفتن، تجاوز از حد، افراط، کفر، ریخت‌وپاش در نفقه، صرف مال در غیر طاعت الهی، شتاب کردن در خرج مال، صرف مال بدون نیاز، قرار دادن چیزی در غیر جای خود، کوتاهی در ادای حقوق الهی، عادت داشتن به چیزی و... البته به نظر می‌رسد همه معانی نهایتاً به یک معنا بازمی‌گردند (رجایی و خطیبی، ۱۳۹۲، صص. ۲۷-۲۸). راغب اصفهانی در توضیح ماده «سرف» اینگونه بیان کرده است:

«السرف تجاوز الحد فی کل فعل یفعله الانسان و إن کان ذلک فی الانفاق أشهر»: «سرف» تجاوز کردن از حد در هر کاری است که از انسان سر بزند. گرچه استعمال آن در موارد زیاده‌روی در انفاق مال بیشتر است و گاهی به خروج از اعتدال در مقدار خرج مال و زمانی هم به چگونگی بذل مال و موارد آن اطلاق می‌شود و لذا سفیان گفته است آنچه در غیر طاعت خدا مصرف شود، اسراف است، اگرچه مقدار آن کم و ناچیز باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ص. ۴۲۵).

از گفته‌های اهل لغت و تفسیر در مورد واژه اسراف به دست می‌آید که با سه ملاک، حد معتبر در اسراف- که رعایت آن میانه‌روی است و تجاوز از آن موجب می‌شود تا انسان در شمار مسرفین قرار گیرد- تعیین می‌شود (موسوی کاشمیری، ۱۳۸۸، صص. ۳۳-۳۸):

#### الف. گناهان و محرمات شرعی

این بدان دلیل است که حرام‌ها و معصیت‌ها خود حدود الهی‌اند و ارتکاب آن‌ها اگر بدون صرف مال باشد اسراف به معنای گناه و تجاوز از دستورهای دینی است و در صورتی که همراه با مخارج مالی باشد، تبذیر و اسراف اقتصادی خواهد بود.

#### ب. حکم عقل و معیارهای عقلی

مواردی که عقل بر قبح صرف مال در آن‌ها حکم نماید به‌گونه‌ای که تجاوز از آن به‌نوعی سفاهت و جهالت باشد، اسراف رخ داده است. به‌عنوان مثال انفاق به کسی که استحقاق آن را ندارد و نیز اتلاف و نابود کردن ثروت یا خرج آن در موارد نادرست و بی‌فایده که حاکی از نارسایی عقلی و ضعف اندیشه باشد، از موارد اسراف مال به شمار می‌رود.

#### ج. عرف جامعه

در مواردی هم عرف جامعه عامل تعیین‌کننده حد در باب اسراف است؛ به‌عنوان مثال مصرف مال در راه مصالح شخصی یا انفاق آن برای دیگران، هرکدام محدود به حدی است که عرف جامعه آن را بر اساس اوضاع اقتصادی هر زمانه و بر پایه موقعیت

اقتصادی و اجتماعی هر شخص تعیین می‌کند و همان‌گونه که کم‌روی از آن میزان مصداق بخل است، زیاده‌روی و تجاوز از آن نیز به معنای خروج از حد اعتدال و ورود به جرگه مسرفین خواهد بود.

بدون تردید اسراف با آن گستره لغوی موضوع حکم شرعی قرار نگرفته است و دایره‌اش محدودتر از اسراف لغوی است. همه گناهان از آن جهت که تجاوز از حدود الهی‌اند، مصداق اسراف لغوی هستند در حالی که مصداق اسراف اصطلاحی نیستند؛ زیرا در این صورت لازم می‌آید هر گناهی مصداق اسراف نیز باشد. اصطلاحاً اسراف در هر چیزی که قابلیت استفاده برای رفع نیازی را داشته باشد، محقق می‌شود (رجائی و خطیبی، ۱۳۹۲، صص. ۳۱-۳۳).

اسراف امری نسبی است و بر حسب شرایط زمانی، جوامع و نیز شأن افراد و با توجه به پیشرفت و عدم پیشرفت اقتصادی، رشد و عدم رشد رفاه و با عنایت به وضعیت معیشتی و سطح برخورداری مردم، مختلف و متغیر است. ممکن است استفاده از یک مقدار کالا در یک جامعه و یا برای یک فرد، تجاوز از حد محسوب شود و در جامعه دیگر و یا برای شخصی دیگر، چنین به حساب نیاید. همچنین ممکن است بهره‌برداری از یک خدمت، در جامعه‌ای پیشرفته و مرفّه، امری عرفی و معمولی محسوب شود ولی در جامعه‌ای توسعه‌نیافته، خروج از حد اعتدال به نظر آید (کلانتری، ۱۳۸۹، ص. ۲۶).

با بررسی ۲۳ آیه‌ای که با ریشه «سرف» در قرآن آمده، انواع اسراف به‌صورت زیر قابل جمع‌بندی است (عطائی، ۱۳۸۸):

#### الف. اسراف در مال

آیات مربوط به زیاده‌روی در صرف مال شامل دو بخش است:

##### أ. اسراف در مصرف شخصی

اسراف که در بعد اقتصادی بیشتر مورد توجه است و موجب تضعیف بنیه مالی محرومان و لذت‌طلبی مسرفان می‌شود و از بلاهای بزرگ اجتماعی است و فقر و

محرومیت بیشتر را به دنبال دارد همین نوع اسراف است؛ بنابراین هر مسلمان با توجه به وظیفه، تعهد و مسئولیتی که در برابر خداوند و اجتماع دارد لازم است، در مخارج زندگی خویش رعایت اعتدال را بکند و جدا از اسراف پرهیز نماید.

#### ب. اسراف در انفاق به دیگران

وقتی انفاق از حد تعادل خارج شود نسبت به انفاق‌کننده و انفاق‌شونده هر دو عوارض سوء و زیان‌بار خواهد داشت، برای همین خداوند کریم در آیه ۶۷ سوره فرقان از اسراف و همچنین سختگیری در انفاق نهی کرده و انسان‌ها را به رعایت اعتدال در این امر، فرمان داده است. حساب هر چیزی در پیشگاه خداوند متعال بر اساس حکمت بالغه او و مصلحت و عدالت و از روی اندازه و به دور از افراط و تفریط است، و اساس حکومت را هم عدالت تشکیل می‌دهد و اقامه عدل از اهداف مهم بعثت انبیای عظام الهی بوده است تا آنجا که معیار مالکیت مشروع را عدم زیان و اضرار و ستم به فرد و اجتماع، و ضابطه انفاق و احسان را کرامت و سخاوت به دور از بخل و امساک و نیز به دور از اسراف و زیاده‌روی قرار داده است و بالاخره تحکیم بنیان اقتصادی جامعه و میانه‌روی مطلوب و مورد تأکید شارع مقدس اسلام است.

#### ب. اسراف در غیر مال

##### ۱. اسراف در قتل

در دوران جاهلیت رسم بر این بود که هرگاه کسی از روی ظلم و تعدی به قتل می‌رسید، بستگان مقتول با توجه به خوی و خصلت جاهلی و حس کینه‌توزی و انتقام‌جویی چند نفر از بستگان قاتل را به قتل می‌رساندند. قرآن کریم این تجاوز و انتقام‌جویی را مردود دانسته و در آیه ۳۵ سوره اسراء فرمود: «فلا یسرف فی القتل»؛ یعنی برای قتل یک نفر، فقط یک نفر را به قتل برسانند که این کشتن هم فقط در مواردی تجویز شده است که قاتل مستوجب کشته شدن باشد و با علم و عمد مرتکب قتل نفس شده باشد.



## ۲. اسراف بر نفس

کسی که از نظام اعتدال خارج می‌شود و با ارتکاب گناه و معصیت از حریم انسانی خود تجاوز می‌کند، اسراف‌کار است، اما اسراف‌کاری که مشمول پیام رحمت و امید الهی قرار گرفته است. در همین راستا خداوند متعال در آیه ۵۴ سوره مبارکه زمر می‌فرماید: «قل یا عبادى الذین اسرفوا علی انفسهم لاتقنطوا من رحمۃ الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً انه هو الغفور الرحیم»؛ بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد.

اسراف یکی از اعمالی است که ممکن است در دو سطح فردی و غیر فردی صورت پذیرد. سطح غیر فردی ممکن است در حد و اندازه یک اداره، یک سازمان، یک شهر و یا حتی کل کشور باشد. بدیهی است هرچقدر مقیاس یک اسراف بزرگ‌تر شود، زیان مالی ناشی از آن گسترده‌تر خواهد بود. منظور از بخش دولتی در این مقاله، حاکمیت مستقر در هر کشوری است و این موضوع اعم از سه حوزه قانون‌گذاری، اجرا و نظارت (قضائی) است. البته لازم به ذکر است این مقاله به جهت اختصار، تمرکز خود را بر روی مصادیق اسراف در بخش اجرائی قرار داده است.

## ۲-۳. رابطه اسراف و سطح عمومی مصرف

در ادامه به تبیین سطح عمومی مصرف و تبیین رابطه آن با اسراف از منظر اقتصاد اسلامی می‌پردازیم. به‌سادگی می‌توان ادعا کرد، مفهوم «حد کفاف» یا سطح عمومی مصرف در جامعه اسلامی، یکی از مهم‌ترین مفاهیم برای تفسیر و توضیح مفهوم اسراف است و شاید بدون پرداختن به آن نتوان آن‌گونه که باید و شاید، واژه اسراف را تبیین کرد.

سطح عمومی مصرف با توازن اجتماعی گره خورده است؛ در واقع، دولت اسلامی با استفاده از احکام شریعت برای ایجاد و حفظ توازن اجتماعی در جامعه، آحاد جامعه را در این محدوده از مصرف قرار می‌دهد. سطح عمومی مصرف در ادبیات دینی با عنوان «حد کفاف» شناخته می‌شود که در ادامه تبیین خواهد شد. پس‌از آن، رابطه مفهوم

«توسعه در مصرف» و حد کفاف بررسی شده و در ادامه به مفهوم «شان»، محدودیت‌های آن و تأثیر آن بر حد کفاف و نهایتاً مفهوم «نیاز» و ابعاد آن اشاره خواهد شد.

### ۱-۲-۳. حد کفاف

هدف نهایی انسان در جهان‌بینی اسلامی، دستیابی به قرب الهی از طریق عبودیت است. انسان، خلیفه خداوند بر روی زمین است و هر چیزی که او را در وصول به این هدف یاری دهد، نیاز وی شمرده می‌شود؛ بی‌گمان تأمین معاش و امکانات مادی برای پیمودن این مسیر ضرورت دارد و از این رو از دیدگاه اسلام، مصرف باهدف تأمین نیازمندی‌های مادی، ضرورتی ارزشمند است و به همین دلیل، مصرف کمی و کیفی کالاهایی که مانع دستیابی آدمی به هدف نهایی است، ممنوع است.

شهید صدر رحمه‌الله‌علیه ضمن بحث پیرامون مبادله و مصرف، به توضیح اجمالی مفهوم حد کفاف می‌پردازند. ایشان در توضیح حد کمی مصرف می‌گویند: «اسلام به افراد جامعه اسلامی اجازه نمی‌دهد در تأمین نیازها و مصرفشان از حد معمول تجاوز کنند و تجاوز از حد معمول را اسراف به شمار می‌آورد که حکومت اسلامی باید از آن جلوگیری کند» (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۶). آن‌گونه که از منابع اسلامی برمی‌آید می‌توان رفتار مصرفی مطلوب از نظر اسلام را قرار گرفتن در محدوده کفاف دانست.

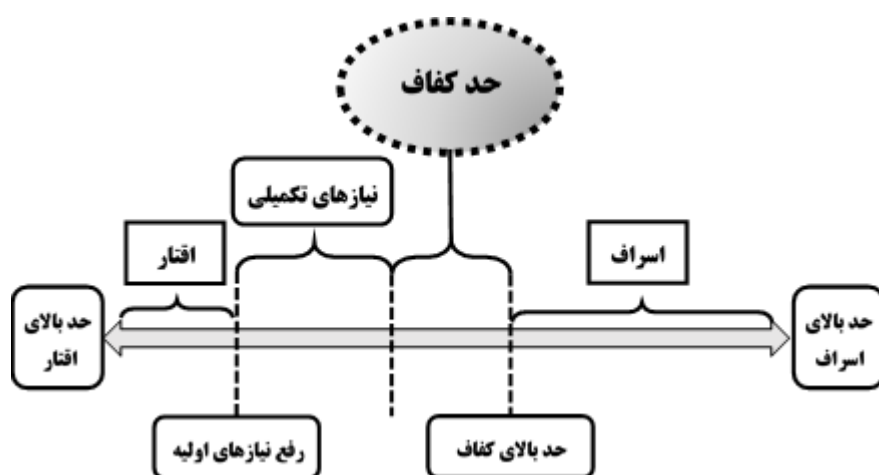
حد کفاف، یک ناحیه از مصرف است که درون خود، سطوحی مختلف دارد. بررسی روایات و اقوال فقها نشان می‌دهد سطح کفاف به ضروریات اختصاص ندارد؛ بلکه هرگونه نیاز متعارف انسان را در برمی‌گیرد (رجایی و معلمی، ۱۳۹۴، صص. ۲۰۰-۲۰۱). این محدوده به لحاظ درآمدی وضعیتی است که انسان فقیر محسوب نمی‌شود و می‌تواند تمام نیازهای اساسی و متعارف خود را متناسب با شأن -شامل مؤلفه‌هایی همچون شرایط جسمی، تعداد افراد تحت تکفل، شرایط روحی، فرهنگی و...- برطرف کند. این سطح از مصرف، به‌عنوان یک حق برای همه افراد و خانوارها محسوب می‌شود؛ بنابراین در سطح کلان، هدف نظام اقتصادی اسلام است؛ چراکه حفظ کرامت

انسان‌ها با توجه به جایگاه خلیفه‌اللهی آن‌ها، لازم و ضروری است. کفاف به سطحی از مصرف گفته می‌شود که حاجات انسان را برطرف کند (ابن اثیر، بیتا، ج ۴، ص. ۱۹۱) و از آنجاکه داشتن این سطح از درآمد، مانع درخواست از دیگران می‌شود، آن را حد کفاف می‌نامند (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۸، ص. ۳۸۷).

انسان به لحاظ درآمدی ممکن است داری سه وضعیت فقر، کفاف و غنا باشد. مصرف نیز ممکن است میان دو حد، یعنی اسراف و اقتار دررفت و برگشت باشد. اسراف از ماده «سرف» به معنای تجاوز از حد در هر کار است؛ اگرچه در انفاق مشهورتر است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ص. ۴۲۵) و اقتار از ماده «قتَر» به معنای کاهش نفقه و در مقابل اسراف است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ص. ۶۴۵). از حد مطلوب مصرف در آیات و روایات تعبیر به «کفاف»، «قوام» و «قصد» شده است.

برقراری سطح عمومی مصرف با توجه به میزان کار و نیاز افراد جامعه تأمین خواهد شد. نقش مشترکی که کار و نیاز باهم در این زمینه ایفا می‌کنند، شیوه اولیه و کلی توزیع در جامعه اسلامی را تعیین می‌کند. برای روشن شدن این نقش، افراد جامعه را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: گروه اول افرادی هستند که به علت برخورداری از استعدادها و نیروهای فکری و عملی می‌توانند وسایل زندگی خود را در سطح مرفهانه فراهم سازند. تنها کار است که سهم این گروه از توزیع را تعیین می‌کند. گروه دوم کسانی هستند که می‌توانند کار کنند، اما نتیجه کارشان تنها می‌تواند ضروریات زندگی را برایشان فراهم سازد و نیازهای اساسی آنان را برطرف نماید. برای این گروه کار، وسایل ضروری زندگی برای آنان را فراهم می‌سازد و نیاز طبق اصول کفالت و تأمین موجب افزایش درآمدشان می‌شود. گروه سوم، افرادی هستند که به سبب ناتوانی جسمی یا عقب‌ماندگی ذهنی یا هر علت دیگری از دایره کار و تولید دور مانده‌اند. درآمد این گروه تنها بر نیاز استوار است و طبق اصول کفالت همگانی و تأمین اجتماعی سهم خود از توزیع را به‌طور کامل دریافت می‌کنند (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص. ۴۰۵).

وقتی برقراری حد کفاف به‌عنوان هدف نظام اقتصادی اسلام شناخته شود، باید مردم و دولت کوشش کنند تا این امر در جامعه محقق شود. افرادی که زیر حد کفاف درآمد



شکل ۱- وضعیت کفاف در محور مصرف

دارند، باید تلاش کنند تا زندگی خود را به حد کفاف برسانند و افرادی که در حد کفاف به سر می‌برند باید سعی آنان بر این باشد تا وضعیت خود را حفظ و نیز رشد دهند. همچنین افرادی که بالای حد کفاف قرار دارند باید ضمن حفظ درآمد خود از رشد آن غافل نشوند و درعین حال مازاد درآمد خود را برای رسیدن افراد زیر حد کفاف به این سطح به کار گیرند (جهانیان، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۷).

فقر دو گونه است؛ فقر مطلق و فقر نسبی. محدوده فقر مطلق جایی است که نیازهای اساسی در حال تأمین است. (محدوده اقتار) و افراد در این سطح زندگی حداقل رفاه را دارند. از خط رفع نیازهای اولیه تا ابتدای حد کفاف، محدوده فقر نسبی است که در این سطح نیازهای اساسی افراد تأمین شده و افراد در حال رفع نیازهای تکمیلی خود هستند (جهانیان، ۱۳۹۱، صص. ۱۰۷-۱۰۸). حد کفاف بالاتر از محدوده فقر نسبی است که در آن علاوه بر نیازهای ضروری، به نیازهای متعارف (تکمیلی) نیز

پرداخته می‌شود. باید توجه داشت که این حد در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به دلیل میزان امکانات جامعه متفاوت است و ممکن است میزان اسراف در جامعه‌ای در محدوده فقر نسبی جامعه دیگر قرار گیرد. بنابراین همان‌طور که از شکل ۱ مشخص است، برای تعیین حد پایین اسراف در جامعه، لازم است به حد کفاف و مؤلفه‌های آن توجه کرد.

تعیین مصداق کفاف در مورد فرد و جامعه امر دشواری است؛ چراکه با توجه به تنوع کالاها و خدمات مصرفی، تغییر دائمی مصادیق نیازهای ضروری و نسبی و نیز تفاوت این نیازها با توجه به شئون افراد و منطقه جغرافیایی زندگی آنان، نمی‌توان برای عموم مردم نسخه واحدی ارائه داد. با وجود این، در هر دوره‌ای، این وظیفه دولت است که با معین کردن محدوده کفاف به صورت تقریبی، راه را برای انجام سایر اقدامات باز کند.

البته عده از محققین محدوده کفاف را صرفاً در حد رفع نیازهای ضروری تلقی می‌کنند و رفع نیازهای تکمیلی در این محدوده را ضروری نمی‌دانند. از نظر آنان حد کفاف، بالاتر از سطح ضرورت و پایین‌تر از حد تجمل و رفاه‌زدگی به شمار می‌رود (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۴، ص. ۱۹۷). با توجه به مطالب مطرح‌شده، مقصود ما از محدوده کفاف، برداشت اول است.

### ۳-۳. معیارهای کیفی اسراف

اسراف از جمله موضوعاتی است که به‌رغم روشن بودن مفهوم عرفی‌شان، با گستره مفهوم عرفی موضوع حکم شرع قرار نگرفته‌اند. این دسته از موضوعات نیاز مبرم به تعیین ملاک دارند. اسراف در این دسته از موضوعات قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر برای فهم مفهوم و محدوده اسراف همانند بسیاری از مفاهیم دیگر لازم است معیارهایی ارائه گردد تا بتوان مصادیق اسراف را به صورت عملیاتی‌تر شناسایی کرد. لازم به ذکر است این معیارها، کمک شایانی به شناسایی شاخص‌های ارائه‌شده در این پایان‌نامه کرده است؛ یعنی ما با استفاده از این معیارها و با بررسی منابع، مقالات و گزارش‌ها به دنبال

شناسایی روزه‌های ورود اسراف به بخش دولتی بوده‌ایم. در ادامه به صورت مختصر هر یک از این معیارها تبیین خواهد شد (رجائی و خطیبی، ۱۳۹۲، صص. ۸۵-۱۱۹):

### ۱-۳-۳. اتلاف و تضييع اموال

یکی از معیارهای اسراف که در روایات به آن تصریح شده، اتلاف است. واژه «تلف» در لغت به هلاک، از بین رفتن کالا و هدر رفتن ترجمه شده است. واژگان «ضیاع» و «تضييع» نیز به هلاک، فوت و از بین رفتن کالا ترجمه شده‌اند؛ در نتیجه معنایی نزدیک به فوت و اتلاف دارند. بر اساس این معیار، اتلاف عمدی اموال و به‌طور کلی اتلاف هر چیزی که قابلیت استفاده دارد، اسراف به شمار می‌آید.

### ۲-۳-۳. عدم رعایت اولویت در به‌کارگیری سرمایه‌های ملی و شخصی

از مجموع روایات استفاده می‌شود اگر عدم رعایت اولویت در هر امری، موجب تضييع امور مهم‌تر شود، اسراف است. به‌عنوان مثال، در حدیثی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کشت در زمین شوره‌زار را باوجود زمین حاصلخیز مصداق تضييع معرفی می‌کند. بر این اساس سرمایه ملی یا شخصی اگر باوجود نیازهای ضروری، به موارد غیرضروری تخصیص یابد یا باوجود فرصت‌های سودآور، به فرصت‌های با سود کمتر اختصاص داده شود، موجب تضييع می‌شود و اسراف به شمار می‌آید.

منظور از اولویت در سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های ضروری و در مرحله بعد فعالیت‌های سودآور است. بنابراین در شرایطی که جامعه، به سرمایه‌گذاری در بخش مواد غذایی نیاز ضروری دارد، تخصیص سرمایه به تولید کالای لوکس و تجملی توسط سرمایه‌داری که توانایی سرمایه‌گذاری در بخش مواد غذایی را دارد، اسراف و از باب ترک واجب، معصیت خواهد بود.

در همین راستا می‌توان سخن از تفاوت سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و غیر مولد اقتصاد به میان آورد. سرمایه‌گذاری در بخش‌های نامولد اقتصاد، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت و به صورت محدود، اشتغال اندکی ایجاد کند ولی به این دلیل که زمینه دیگر فعالیت‌های مولد را محدود می‌کند؛ در طولانی‌مدت به ضرر اقتصاد خواهد

بود. «به زبان ساده‌تر، فعالیت‌های نامولد به GNP واقعی چیزی اضافه نمی‌کنند و یا اگر اضافه می‌کنند ماهیتاً بی‌ارزش، بی‌کیفیت و ابتر است. ضمن این‌که با اختصاص منابع مالی به خود در حوزه منابع و همچنین اختصاص درآمدهای بالا به خود در حوزه توزیع تابعی محصول مانع رشد کیک اقتصاد می‌شوند» (شاگری، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۱). نتیجه این‌که می‌توان سرمایه‌گذاری‌های عظیم در بخش‌های نامولد را از جمله اسراف‌های گسترده در عرصه کنونی اقتصاد ایران دانست.

### ۳-۳-۳. مصرف بالاتر از سطح زندگی عمومی

حد کفاف یا همان سطح زندگی عمومی، به سطحی از مصرف گفته می‌شود که در آن نیازهای ضروری و متعارف انسان بر اساس شرایط اقتصادی، خانوادگی، شأن و ... برطرف شده باشد. از آنجاکه داشتن این سطح از درآمد، مانع درخواست از دیگران می‌گردد، به آن حد کفاف گفته می‌شود. همان‌طور که در توضیحات قسمت حد کفاف گفته شد، خروج از محدوده قوام یا کفاف، باعث ورود به دو حد اقتار یا اسراف خواهد شد.

افراد باید در تلاش باشند کالاهای ضروری افراد تحت تکفل خود را تأمین کنند. اگر قادر به تأمین حداقل معیشت خود نباشند، اصل تکافل اجتماعی اقتضا دارد که سایر افراد در تأمین نیازهای اساسی آنان بکوشند. در اموال ثروتمندان حقی برای آنان قرار داده شده است و در عرض این‌ها دولت اسلامی موظف به فراهم آوردن شرایط تکافل اجتماعی و مسئولیت متقابل افراد نسبت به یکدیگر است. در مقابل، افراد توانگر تا حدی مجبور به انفاق‌اند و تأکید شده است که بیش از آن نیز انفاق نکنند. آنان از اسراف و تبذیر برحذر داشته شده‌اند، به‌صرفه‌جویی و قناعت تشویق شده‌اند و بهتر است تقاضایشان در حد کالاهای ضروری سطح عموم مردم جامعه باشد.

### ۳-۳-۴. مصرف فراتر از توان مالی یا شأن

با استفاده از مفهوم روایات، اگر انسان به دلیل نبود نظم در دخل و خرج و صرف مال در غیرضروریات، نیازمند شود، مرتکب اسراف شده است. به‌عبارت‌دیگر هرگونه مصرف

غیرضروری که بالاتر از توان مالی یا شأن مصرف‌کننده باشد، مصداق اسراف خواهد بود. امروزه این موضوع بیشتر از همه خودش را در تبلیغات بازرگانی در رسانه‌های جمعی، رواج خرید از طریق کارت‌های اعتباری بانک‌ها<sup>۱</sup> و طرح‌های فروش فوق‌العاده با تخفیف‌های جذاب در فروشگاه‌ها نشان می‌دهد.

رواج فرهنگ مصرف‌گرایی در میان مردم، یکی از اصول اقتصاد سرمایه‌داری است. تولید انبوه کالا و خدمات در جهت حداکثرسازی سود شرکت، نیازمند مصرف انبوه است و به همین منظور رسانه‌ها با قدرت به میدان می‌آیند تا با استفاده از تبلیغات شدید و تأثیرگذار، نیازمند بودن به یک کالا را به همه طبقات جامعه تلقین کنند. بی‌شک این چنین مصارفی از جمله موارد اسراف به شمار رفته و لازم از آن خودداری شود.

### ۳-۳-۵. بخشش بیش از حد

بر اساس بعضی از آیات و روایات، بذل و بخشش بیش از حد اموال به دیگران به صورت صدقه یا هدیه، چنانچه سبب محتاج شدن صدقه‌دهنده یا افراد تحت تکفل او شود، از مصادیق اسراف است. بنابراین منظور از حد در این معیار، آن میزانی است که فرد بخشند خود به نداری افتد و محتاج دیگران شود. البته باید توجه کرد این معیار فقط برای شناسایی اسراف در بذل و بخشش مستحب و مباح است و شامل واجبات مالی نمی‌شود؛ زیرا مصادیق و مقدار بخشش در شرع معین شده و تحقق اسراف در آن معنا ندارد.

پرهیز از اسراف در انفاق و بخشش از اوصاف بندگان خالص خدا است. قرآن کریم در آیه ۶۳ سوره مبارکه فرقان می‌فرماید: «وَعِبَادَ الرَّحْمَنِ... وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» بندگان خاص خداوند رحمان... کسانی هستند که زمانی که انفاق کنند نه اسراف می‌کنند و نه سختگیری، بلکه در میان این دو حد

---

۱- با استفاده از کارت‌های اعتباری، می‌توان حتی در زمان‌هایی که هیچ پولی در حساب بانکی وجود ندارد، اقدام به خرید کالا و خدمات کرد.



اعتدالی دارند. جالب توجه اینکه اصل انفاق کردن را مسلم می‌گیرد، به طوری که نیاز به ذکر نداشته باشد؛ چراکه انفاق یکی از وظایف حتمی هر انسانی است، لذا سخن را روی کیفیت انفاق آنان می‌برد و می‌گوید: انفاقی عادلانه و دور از هرگونه اسراف و سختگیری دارند، نه آن‌چنان بذل و بخششی کنند که زن و فرزندشان گرسنه بمانند، و نه آن‌چنان سختگیر باشند که دیگران از مواهب آن‌ها بهره نگیرند.

### ۶-۳-۳. صرف مال در معصیت

صرف کردن مال در مصرف‌هایی که شرعاً حرام است، مانند خریدن شراب و آلات قمار و اجرت فاحشه و خواننده و رشوه دادن به حکام و صرف نمودن مال در چیزی که ظلمی در بردارد یا ستمی به مسلمانی می‌رساند و نظیر این‌ها، و در چنین مواردی از جهت مخالفت امر خدا معصیت است، یکی گناه بودن اصل عمل و یکی اسراف بودن صرف مال در آن موارد (عطایی، ۱۳۸۸).

### ۴. مهم‌ترین مصادیق اسراف در بخش دولتی ایران

در این بخش برای توجه به چگونگی نفوذ فرهنگ اسراف در لایه‌های حکمرانی - مدیریتی کشور، مهم‌ترین موارد اسراف در بخش دولتی ایران مورد اشاره قرار خواهد گرفت. لازم به ذکر است اگرچه بعضی از موارد ذکر شده در نگاه اول اسراف به شمار نمی‌آید ولی با توجه به معیارهای کیفی بیان شده برای اسراف، می‌توان این موارد را نیز جزء اسراف دانست.

#### ۴-۱. زیان مالی ناشی از خام‌فروشی نفت و گاز طبیعی

در حالی ایران بخش عظیمی از تولیدات نفت خام خود را به صورت خام صادر می‌کند که می‌توان با مختصر فراوری این تولیدات، به محصولاتی با ارزش چندین برابری دست یافت که موجب بی‌نیازی از واردات این محصولات و افزایش چشمگیر درآمد کشور از محل صادرات آن می‌شود. خام‌فروشی نفت و گاز به دلیل عدم‌النفع بسیار زیادی که در پی دارد، موجب اتلاف منابع خواهد بود.

#### ۲-۴. زیان مالی ناشی از برداشت غیرصیانتی از منابع نفت و گاز

تولید صیانتی در خلال عمر مخزن، روندی از تولید است که هماهنگ با حداکثرسازی ارزش اقتصادی مخزن و رعایت منافع بین نسلی و نسل‌های آینده باشد. ارزش اقتصادی یک مخزن تابع دو متغیر قیمت نفت خام و حجم تولید صیانتی در هر مقطع زمانی است و لذا می‌توان آن را به صورت حاصل ضرب روند قیمت نفت خام در روند تولید صیانتی از مخزن در خلال عمر مخزن تعریف کرد (درخشان، ۱۳۹۳، ص. ۵). عدم توجه به برداشت صیانتی منابع نفت و گاز موجب اتلاف منابع در دسترس خواهد شد.

#### ۳-۴. زیان مالی ناشی از سهم برداشت اندک از میادین مشترک نسبت به همسایگان

ایران ۲۸ میدان نفتی و گازی مشترک با همسایگان دارد که در بین میادین مشترک نفت و گاز ایران، ۱۵ مخزن در آب‌های خلیج فارس و ۱۳ مخزن در خشکی قرار گرفته‌اند. عدم برداشت صحیح از میادین مشترک به دلیل وضعیت ویژه‌ای که دارند، می‌تواند مصداق عدم استفاده صحیح از منابع و در صورت تولید غیرصیانتی موجبات اتلاف منابع را فراهم آورند.

#### ۴-۴. زیان ناشی از گازسوزی در فرآیند استخراج نفت (سوزاندن گاز فلر)

لغت فلر برای توصیف یک شعله بی‌حفاظ که گازهای مازاد را می‌سوزاند، به کار می‌رود. این پدیده اغلب در تأسیسات نفتی نظیر بالادستی نفت، پالایشگاه‌ها و صنایع پتروشیمی و همچنین در واحدهای شیمیایی به منظور حفظ ایمنی کارکنان و تجهیزات موجود در محل اتفاق می‌افتد. گازهای حاصل از احتراق در فلر یکی از مهم‌ترین عوامل آلودگی هوا محسوب شده و پیامدهای زیست محیطی در پی خواهد داشت. علاوه بر بحث زیست محیطی، سوزاندن گازهای ارسالی به فلر از لحاظ اقتصادی نیز خسارات زیادی به اقتصاد کشورها وارد می‌آورد. بر اساس تخمین بانک جهانی، سالانه ۱۱۰ میلیارد متر مکعب از گازهای طبیعی در فلرها سوزانده شده یا مستقیماً به محیط تخلیه می‌شود (شرکت ملی پالایش و پخش، ۱۳۹۱، صص. ۱-۲).

#### ۴-۵. زیان مالی ناشی از فرار و معافیت‌های مالیاتی غیرمطلوب

در هر کشوری منابع درآمدی و سرمایه‌ای مردم شامل پرداخت مالیات به حکومت آن کشور می‌شود که فرار و معافیت مالیاتی را می‌توان خروج قانونی از این پرداخت تعریف کرد. یکی از راه‌های کسب درآمد دولت اخذ مالیات از مردم است؛ وقتی گروهی از پرداخت مالیات سرباز زده یا معاف می‌شوند، درآمدهای مالیاتی دولت کاهش می‌یابد. اگر اعطای معافیت‌های مالیاتی به صورت گسترده انجام پذیرد، در واقع دولت درآمدهای بالقوه خودش را در زمینه غیرمطلوبی مصرف کرده است.

#### ۴-۶. زیان مالی ناشی از مصرف بی‌رویه و غیرصیانتی منابع و ثروت‌های عمومی در جهت تأمین منابع بودجه

حذف وابستگی بودجه ایران از فروش منابع نفتی و سایر منابع طبیعی، یکی از اهداف دیرینه برنامه‌ریزان بوده است ولی متأسفانه در هر دوره به دلایلی این اتفاق با انحراف‌هایی روبه‌رو شده است. هدف از ایجاد صندوق توسعه ملی نیز کاهش و قطع وابستگی بودجه به نفت بوده است. به‌رحال یکی از شاخص‌های نشان‌دهنده اسراف در بودجه، مصرف بی‌رویه و غیرصیانتی منابع و ثروت‌های عمومی در جهت رفع هزینه‌های جاری بوده است.

#### ۴-۷. زیان مالی ناشی از پرداخت غیرهدفمند یارانه‌ها (کالاهای اساسی و ...)

هدف‌مندی یارانه‌ها در ایران یکی از مهم‌ترین بخش‌های طرح تحول اقتصادی است که قرار بود به تغییر فرآیند پرداخت یارانه‌ها بینجامد. در این فرآیند لازم است با حذف تدریجی یارانه‌ها از مواد سوختی، مواد خوراکی، آب، برق و سایر اقلام در ایران نوع پرداخت یارانه تغییر کند که بخشی از این یارانه‌های حذف شده (۶۰ درصد در سال ۱۳۹۰) به صورت نقدی به مردم پرداخت شده و سایر درآمد این کار صرف کارهای عمرانی و فرهنگی شود. متأسفانه این قانون به صورت درست و کامل اجرا نشد و مطابق آن، به همه افراد جامعه به یک میزان یارانه تعلق گرفت. نتیجه اینکه پرداخت غیرهدفمند و غیرمستقیم یارانه به افراد جامعه، باعث عدم توجه لازم در الگوی مصرف

صحیح خواهد شد. چراکه یکی از مهم‌ترین نتایج واقعی کردن قیمت انرژی و سایر کالاها، جلوگیری از اسراف و اتلاف این منابع خواهد بود.

#### ۵. بررسی اثرات فرهنگی-اجتماعی اسراف در بخش دولتی ایران

در این بخش به بیان مهم‌ترین اثرات فرهنگی-اجتماعی اسراف در بخش دولتی ایران می‌پردازیم.

#### ۵-۱. بروز شکاف فرهنگی-اجتماعی در جامعه و رواج فرهنگ مصرف‌گرایی

اسراف در بخش‌های مختلف دولتی می‌تواند زمینه‌ساز بروز شکاف‌های عمیق فرهنگی-اجتماعی در جامعه باشد. همان‌طور که بیان شد، مطابق معیارهای کمی اسراف، زندگی اشرافی حاکمان و ایجاد فاصله‌های عمیق اقتصادی، زمینه‌ساز شکل‌گیری سبک جدیدی از زندگی در میان این افراد خواهد شد. همین موضوع سبب می‌شود، چنین فرهنگی به سرعت در میان مردم رسوخ کند و همگان برای جمع‌آوری مال و ثروت به رقابت ناسالم بپردازند. مقام معظم رهبری در این باره چنین می‌فرمایند: «جلوی اشرافی‌گری باید گرفته بشود؛ اشرافی‌گری بلای کشور است. وقتی اشرافی‌گری در قلّه‌های جامعه به وجود آمد، سرریز خواهد شد به بدنه؛ [آن وقت] شما می‌بینید فلان خانواده‌ای که وضع معیشتی خوبی هم ندارد، وقتی می‌خواهد پسرش را داماد کند یا دخترش را عروس کند یا فرض کنید مهمانی بگیرد، مجبور است به سبک اشرافی حرکت بکند»<sup>۱</sup>.

ایشان در جای دیگری، پیروی مردم از مسئولین در اعمال و رفتارشان را چنین توصیف می‌کند:

«یک وقت هست که ما جلوی چشم مردم یک مانور اشرافی‌گری می‌دهیم؛ این ... همه‌اش حرام است؛ به‌خاطر این‌که تعلیم‌دهنده اشرافی‌گری است به: اولاً زیردست‌های خودمان، ثانیاً آحاد مردم به این کار تشویق می‌شوند. ریخت‌وپاش

ما اولاً از جییمان نیست، از بیت‌المال است؛ ثانیاً ریخت‌وپاش ما مشوق ریخت‌وپاش دیگران است. واقعاً «النَّاسُ عَلٰی دینِ ملوکهم». ملوک در این جا به معنای پادشاهان نیست که بگوییم ما پادشاه نداریم؛ نه، ملوک شماها هستید؛ النَّاسُ عَلٰی دینِ ماها»<sup>۱</sup>.

طبیعتاً مسابقه اشرافی‌گری، همانند همه مسابقه‌ها برنده و بازنده دارد. بی‌شک چنین مسابقه‌ای نتیجه‌ای جز افزایش شکاف‌های فرهنگی-اجتماعی و رواج فرهنگ مصرف‌گرایی نخواهد داشت. مصرف‌گرایی مشوق یک نظام اجتماعی-اقتصادی است که همواره خرید کالا و خدمات بیشتر را طرح‌ریزی می‌کند. این مقوله در اقتصاد عبارت از اتخاذ سیاست‌های اقتصادی برای اشاعه مصرف است.

#### ۲-۵. عدم استفاده صحیح از مواهب خدادادی و بروز فرهنگ ناسپاسی در جامعه

خداوند متعال نعمت‌های بسیار زیادی به بندگانش عطا کرده است و در مقابل استفاده صحیح و سپاس‌گزاری را از جمله وظایف انسان برشمرده است. مشاهده موارد اسراف در بخش دولتی، خصوصاً در بخش نفت و بودجه، نشان‌دهنده عدم استفاده صحیح از منابع و مواهب خدادادی است. چنین رفتارهایی منجر به ایجاد فرهنگ ناسپاسی در میان آحاد جامعه خواهد شد.

شهید صدر «ره» در کتاب اقتصادنا، مشکل اقتصادی جوامع را کمبود منابع نمی‌داند، بلکه مشکلات اقتصادی را ناشی از ظلم و کفر انسان برمی‌شمرد. اسلام معتقد است که طبیعت قادر است همه نیازهای زندگی را که برآورده نشدن آن‌ها به یک مشکل جدی در زندگی انسان می‌انجامد، برآورده سازد. از دیدگاه اسلام - پیش از هر چیز - مشکل، خود انسان است. نه طبیعت و نه شیوه تولید (صدر، ۱۳۹۳، ص. ۳۹۸). ستمگری انسان در حوزه توزیع نامناسب ثروت‌ها و ناسپاسی او در نحوه استفاده از نعمات، موجبات بروز مشکلات اقتصادی در جوامع امروزی را فراهم ساخته است.

۱- بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت؛ ۸۴/۶/۸

۳-۵. رسوخ فرهنگ خام‌فروشی در لایه مدیریتی کشور و سرریز آن در فرهنگ مردم منابع و مواهب الهی، همان‌گونه که می‌توانند در صورت استفاده صحیح از آن‌ها فرصت باشند، در صورت عدم استفاده بهینه می‌توانند تهدید نیز به شمار روند. وجود منابع مادی آماده، باعث می‌شود افراد تن به کارهای سخت نسپارند و همواره با راحت‌طلبی و آماده‌خوری، تلاش فراوانی برای رفع نیازهایشان انجام ندهند. حدود یک قرن است، نفت در بودجه ما جا خوش کرده و در این مدت، فرهنگ خام‌فروشی فرصت داشته است در تمامی بخش‌های جامعه ریشه بدواند و بسیاری از ارزش‌های فرهنگی کشور را به‌واسطه درآمد بی‌زحمت حاصل از نفت خام به فراموشی بسپارد. فرهنگ ناصحیح اقتصاد خام‌فروش و نفت‌محور، واردات را جایگزین صادرات و استخدام را جایگزین کارآفرینی معرفی کرده است.

در دیدگاه اسلامی نیز، تنها ثروت‌های منبعث از کار مشروع به شمار می‌روند. شهید صدر «ره» در این باره چنین می‌فرماید:

«از دیدگاه اسلام، کار سبب می‌شود که کارگر مالک نتیجه کار خود گردد. این مالکیت خصوصی که بر پایه کار استوار است، بیانگر گرایش طبیعی انسان به تملک نتایج کار خویش است. این گرایش طبیعی از آنجا ناشی می‌شود که هر فرد احساس می‌کند که خود او اختیار کارش را دارد. این احساس به‌طور طبیعی میل به تسلط بر نتایج کار و درآمدهای حاصل از آن را به‌وجود می‌آورد. به این ترتیب، مالکیت استوار بر اساس کار، حقی است که از احساسات اصیل انسان سرچشمه می‌گیرد. پس کار از نظر اسلام، اساس مالکیت است و بنابراین، کار ابزار اصلی در نظام توزیع اسلامی است؛ زیرا هر کارگری می‌تواند از ثروت‌های طبیعی به‌دست آمده به‌وسیله کار خود بهره‌مند شود و طبق قانون «کار سبب مالکیت است» آن را تملک نماید» (صدر، ۱۳۹۳، ج ۱، ص. ۴۰۳).

اقتصاد اسلامی به شدت یک مکتب فرهنگی است. این مکتب کار و تولید را تشویق کرده و آن را دارای ارزش فراوان شمرده و کرامت و جایگاه انسان نزد خدا را به کار

ارتباط داده است. اسلام معیارهای مشخصی از کار و بیکاری ارائه داده و بیکاری را به یک ضدارزش تبدیل کرده است. کار در دیدگاه اسلامی یک عبادت است که انسان می‌تواند با آن پاداش یابد و کسی که در راه تأمین نیازهای زندگی‌اش کار می‌کند، برتر از کسی شناخته می‌شود که خدا را عبادت می‌نماید. تنبلی به شدت مذموم است و مایه نقص و فرومایگی است.

#### ۴-۵. از بین رفتن توازن اجتماعی و بروز فقر در جامعه

یکی از مهم‌ترین مفاهیم مورد تأکید در دین مبین اسلام و از جمله عوامل به وجود آورنده توازن و رفع شکاف طبقاتی در جامعه، حرمت اسراف است. به عبارت دیگر «در نظام اقتصادی اسلام، برای پر کردن شکاف بین زندگی فقیر و غنی و نیز از بین بردن محرومیت و فقر از جامعه، راه‌حلهایی وجود دارد که در صورت به کار بستن آن به‌طور قطع و یقین، در کوتاه‌مدت، جهان شاهد نابودی این پدیده شوم حیات بشری خواهد بود که تحریم اسراف یکی از این راه‌حلهاست» (موسوی کاشمیری، ۱۳۸۸، ص. ۱۸).

تأثیر تحریم اسراف (و تبذیر) توسط دین اسلام در جهت ایجاد توازن اجتماعی است؛ بدین معنا که تحریم اسراف موجب می‌شود تا سبک مصرف افرادی که در سطحی بالاتر از معیشت عمومی جامعه قرار دارند، کنترل شود (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۷). در واقع راهکار نظام اقتصادی اسلام برای تحقق توازن اجتماعی، یک راهکار دوجانبه است. اگر یک نظام اقتصادی برای میزان و چگونگی مصرف افراد جامعه محدودیتی قائل نشود، هیچ‌گاه نمی‌تواند ادعا کند برای تحقق توازن اجتماعی در اقتصاد برنامه دارد، چراکه تلاش صرف در جهت تأمین اجتماعی و برطرف کردن نیازهای ابتدایی فقرا، به‌تنهایی نمی‌تواند مانع طبقاتی شدن جوامع گردد. اصلی‌ترین دلیل برای این مدعا، صرف شدن منابع اقتصادی در جهت تولید کالاهای بدون اولویت، در صورت وجود اسراف در جامعه است. به‌عنوان مثال هیچ‌گاه قابل‌پذیرش نیست که در جامعه‌ای، همه‌ساله منابع زیادی صرف تولید کالاهای لوکس و تجملی شود، درحالی‌که

عده زیادی در این جامعه، از نیازهای اولیه خود محروم مانده‌اند. فردی که در مصرف ثروت و درآمد خویش از طریق کالاهای لوکس و تجملی، اسراف و زیاده‌روی می‌کند، در واقع به سوء تخصیص در منابع دست می‌زند که از اجرای مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی خود بازخواهد ماند و از این رهگذر ضربه‌ای سهمگین بر پیکر اجتماع اسلامی وارد می‌آورد (نوری همدانی، ۱۳۸۶، ص. ۷۶).

اسلام با تحریم اسراف و تبذیر مال و جلوگیری از مصرف غیربهبینه منابع تولیدی، در حقیقت امکانات بیشتری را برای تولید ثروت فراهم گردانیده است. افزایش تقاضاهای مسرفانه و مبدّرانه برای مصرف کالاها و خدمات، در صورت عدم پاسخگویی قسمت عرضه، باعث بالا رفتن قیمت‌ها می‌شود. بدیهی است تأثیر این افزایش قیمت بر افزایش قیمت کالاهای مکمل و تولیدات مشابه نیز به لحاظ اقتصادی اهمیت دارد. اسراف و تبذیر به تولیدات غیرضروری و تجملی نیز زمینه عرضه مناسب را می‌دهد و در نتیجه از امکانات تولید بهینه کالاهای ضروری یا تولید کالاها در اندازه‌های موردنیاز جامعه می‌کاهد و موجب محرومیت مردم کم‌درآمد از آن‌ها می‌شود (سبحانی، ۱۳۸۰، ص. ۵۵).

## ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی اسراف در بخش دولتی و تبیین اثرات فرهنگی-اجتماعی در جامعه، موضوع اصلی این پژوهش است. اسراف یکی از پرتکرارترین مفاهیم موجود در ادبیات دینی ماست و توجه به عدم اسراف و تبذیر یکی از وظایف اصلی هر دین‌داری است. از میان اسراف‌های صورت گرفته در دو سطح فردی و اجتماعی، اسراف در سطح امور اجتماعی اثر و اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد.

در این مقاله پس از ذکر پیشینه کوتاهی از ابعاد مسئله اسراف، به بیان مبانی نظری موضوع مورد نظر پرداخته‌ایم. اصطلاحاً اسراف در هر چیزی که قابلیت استفاده برای رفع نیازی را داشته باشد، محقق می‌شود و به‌یقین اسراف و زیاده‌روی در تصرفات مالی از جمله مصادیق قطعی اسراف است. در ادامه معیارهای کیفی اسراف مطابق با



آموزه‌های اسلامی بیان شدند. مطابق با این معیارها، تلاش شد تعدادی از مهم‌ترین مصادیق اسراف در بخش دولتی ایران احصا گردد. از جمله این موارد می‌توان به زیان مالی ناشی از خام‌فروشی نفت و گاز طبیعی، برداشت غیرصیانتی از منابع نفت و گاز، برداشت اندک از میادین مشترک نسبت به همسایگان، فرار مالیاتی در بخش‌های غیررسمی اقتصاد، پرداخت غیرهدفمند یارانه‌ها (کالاهای اساسی و ...) و عدم تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام در کشور و شروع پروژه‌های جدید اشاره کرد.

هم‌چنین می‌توان بروز شکاف فرهنگی-اجتماعی در جامعه و رواج فرهنگ مصرف‌گرایی، عدم استفاده صحیح از مواهب خدادادی و بروز فرهنگ ناسپاسی در جامعه، رسوخ فرهنگ خام‌فروشی در لایه مدیریتی کشور و سرریز آن در فرهنگ مردمی و از بین رفتن توازن اجتماعی و بروز فقر در جامعه را از جمله مهم‌ترین اثرات اجتماعی-فرهنگی اسراف در بخش دولتی دانست.

### کتابنامه

۱. ابن اثیر، عزالدین (بی تا)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، لبنان.
۲. امیری، هادی؛ شهنازی، روح الله و دهقان شبانی، زهرا (۱۳۹۱)، *اقتصاد بخش عمومی*، تهران: سازمان سمت، ج ۱، چاپ اول.
۳. بیدآباد، بیژن (۱۳۸۷)، *اسراف و اخلاق اقتصاد*، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۹۴.
۴. توکلی، احمد (۱۳۸۶)، با طرح های ناتمام عمرانی چه کنیم؟، *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، دوره ۷، شماره ۳.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غررالحکم و درر الکلم*، به تصحیح سید مهدی رجائی، قم: نشر دارالکتاب الإسلامی.
۶. جهانیان، ناصر (۱۳۹۱)، *اصلاح الگوی مصرف از منظر اقتصادی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،
۷. خلیلیان اشکذری، محمجمال (۱۳۸۴)، *شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه.
۸. درخشان، مسعود (۱۳۹۳)، *قراردادهای نفتی از منظر تولید صیانتی و ازدیاد برداشت: رویکرد اقتصاد مقاومتی*، *دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۲، صص ۷-۵۲.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، (سرف). تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق-بیروت: دارالعلم، الدارالشامیه، چاپ اول.
۱۰. رجایی، سیدمحمدکاظم و معلمی، سیدمهدی (۱۳۹۴)، *درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص های آن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول.
۱۱. سجادیان، سید ابراهیم (۱۳۹۶)، *نقش دولت در مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست های اصلاح الگوی مصرف*، استاد راهنما دکتر محمدعلی فریدونی، دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۲. شاکری، عباس (۱۳۹۵)، *مقدمه ای بر اقتصاد ایران*، تهران: انتشارات رافع، چاپ اول.
۱۳. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۴)، *اسلام راهبر زندگی*، مکتب اسلام، رسالت ما، ترجمه: مهدی زندیه، قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر (انتشارات دارالصدر)، چاپ دوم.

۱۴. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۳)، *اقتصاد ما*، ج ۱، ترجمه: سید محمد مهدی برهانی، قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر (انتشارات دارالصدر)، چاپ اول.
۱۵. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۳)، *اقتصاد ما*، ج ۲، ترجمه: سید ابوالقاسم حسینی ژرفا، قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر (انتشارات دارالصدر)، چاپ اول.
۱۶. عزتی، مرتضی (۱۳۸۸)، *اصلاح الگوی مصرف*، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۱۷. مازندرانی، محمد صالح (۱۳۸۲ق)، *شرح اصول کافی*، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
۱۸. مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست شرکت ملی پالایش و پخش، *آشنایی با فلر*، تهران: انتشارات روابط عمومی شرکت ملی پالایش و پخش، ۱۳۹۱.
۱۹. موسوی کاشمیری، سید مهدی (۱۳۸۸)، *پژوهشی در اسراف*، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ پنجم.
۲۰. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق)، *عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۱. یوسفی، احمد علی؛ کریمی، علی اکبر و فراهانی فرد، سعید (۱۳۹۷)، *توزیع عادلانه انفال و منابع عمومی (مطالعه موردی هدفمندی یارانه ها)*، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، شماره ۱۹، صص ۵۶-۸۲.